



نبرد سرنوشت؛

شریضه خونخواهی

مجموعه پیام های تبیینی پیرامون
جنگ دوم اسرائیل و آمریکا با ایران





 **payamenehzat.ir**

 **@ paiamenehzat**

فهرست

پیام اول	۴	اگر انتقام در شأن امام شهید گرفته نشود، هیچگاه امنیت ملی برای ما تأمین نخواهد شد.
پیام دوم	۵	مسأله خونخواهی، یک مسأله فرا دولتی است و در سطح جهان اسلام باید پیگیری شود.
پیام سوم	۶	احاله انتقام خون امام شهید به آزادی قدس، بی اثرسازی آرمان خونخواهی است.
پیام چهارم	۷	پروژه خونخواهی باید به صورت یک پرونده فعال، روی میز دستگاه‌های نظامی و امنیتی کشور باشد.
پیام پنجم	۸	مراسم تشییع، فرصت بزرگی برای بازنمایی خواست عمومی مردم مبنی بر خونخواهی امام شهید است.
پیام ششم	۹	انتقام از جنایت کاران، موجب تقویت عزت ملی ایرانیان خواهد شد.
پیام هفتم	۱۰	یکی از ایرادات بند اول تفاهم نامه، به محاق بردن مأموریت ما برای خونخواهی است.
پیام هشتم	۱۱	راهکارها و مسیرهای انتقام جویی، محدود به مقدرات متعارف ما در مسائل نظامی نیست.
پیام نهم	۱۲	تاکید رهبر انقلاب بر خونخواهی، نشان دهنده راهبردی بودن این مأموریت است.
پیام دهم	۱۳	خونخواهی، آموزه‌ای شیعی و مبتنی بر تأییدات آشکار اهل بیت علیهم السلام است.
پیام یازدهم	۱۴	نهیض پرچم سرخ، نشان دهنده عزم جدی ملت ایران برای پیگیری مجدانه مسأله انتقام است.
پیام دوازدهم	۱۵	بعد از ترور رهبر انقلاب، عدم پیگیری موضوع انتقام به بهانه ترس از اقدام متقابل، معقول نیست.
پیام سیزدهم	۱۶	پیاده روی اربعین فرصت بی نظیری برای احیای آرمان خونخواهی امام شهید است.
پیام چهاردهم	۱۷	جریان سازش، موضوع انتقام را مشمول مرور زمان کرده و آنرا امری غیر عقلانی جلوه می‌دهد.

اگر انتقام از عاملین و آمرین در شأن امام شهید گرفته نشود، هیچگاه در سطوح بالای سیاسی، امنیت ملی برای ما تأمین نخواهد شد.

بازدارندگی یک کشور، مفهومی چندلایه و راهبردی است. بخشی از این بازدارندگی، به توانایی نظام در محافظت از رهبران و بالاترین مقامات سیاسی در برابر تعرض دشمن بازمی‌گردد. این خط قرمز، تضمین‌کننده ثبات ساختار تصمیم‌گیری در بحران‌هاست. امروز، این اصل بنیادین به شکلی عمیق مخدوش شده است. رهبر عالی‌رتبه کشور



در عمق خاک تهران شهید شدند؛ واقعه‌ای که نشانه‌ای آشکار از فروپاشی دیوار بازدارندگی ما در عرصه محافظت از سران سیاسی است. همزمان، رهبر فعلی و سایر مقامات عالیرتبه به صورت مداوم در معرض تهدیدات بالفعل قرار دارند؛ تهدیداتی که دیگر در حد لفاظی و جنگ روانی باقی نمانده، بلکه در قالب طرح ترورهای عملیاتی، روی میز دشمن است.

اگر انتقام از عاملین و آمرین این جنایت، در تراز شأن امام شهید و در مقیاسی بازدارنده گرفته نشود، ترمیم این شکاف راهبردی ممکن نخواهد شد. انتقام در این سطح، یک کنش احساسی یا تاکتیکی نیست؛ اقدامی استراتژیک برای بازتعریف معادلات امنیتی است. غیاب پاسخ قاطع به این معناست که دشمن به این جمع‌بندی برسد که می‌تواند رهبران جبهه مقاومت را بدون پرداخت هزینه‌های مهلک و وجودی هدف قرار دهد. با چنین جمع‌بندی‌ای، امنیت ملی در بالاترین سطوح سیاسی برای همیشه معلق و شکننده خواهد ماند و هیچ پایتخت و مقری، سنگر امنی برای فرماندهان و تصمیم‌گیران کشور محسوب نخواهد شد.

این مسئله را باید فراتر از یک پرونده امنیتی ساده تحلیل کرد. این امر استراتژیک و مربوط به کلیت اسلام، انقلاب و موجودیت جبهه مقاومت است. بقای یک گفتمان و یک آرمان، به بقای رهبران و نمادهای آن گره خورده است. اگر دشمن در حذف فیزیکی رأس هرم رهبری جسور شود و این جسارت با سیلی سختی مواجه نگردد، کل بنیان این جبهه متزلزل و در معرض خطر از این ناحیه قرار می‌گیرد. احیای بازدارندگی، تنها از گذرگاه یک انتقام سخت، راهبردی و تغییردهنده قواعد بازی عبور می‌کند؛

مسئله خونخواهی، یک مسئله فرادولتی است و در

سطح جهان اسلام باید پیگیری شود.

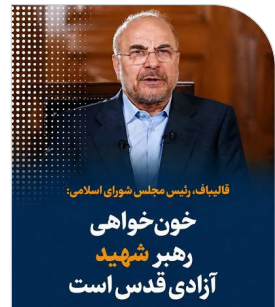


شهادت آیت الله العظمی خامنه‌ای به عنوان مرجع تقلید شیعیان جهان، رهبر الهام بخش مسلمین، ابرمرد مقاومت جهان اسلام و امید مستضعفان تحت سلطه استعمار، تنها یک ترور جنایتکارانه نبود و انقلابی در دل مسلمانان جهان به پا ساخته است که شعاع آن از هند و پاکستان تا عراق، لبنان، یمن، بحرین و تا مالزی و اندونزی و اقصی نقاط

جهان گسترش یافت. مسلمین جهان بر امام شهید خود سوگواری کردند و خیزشی اعتراضی به پا کردند تا مطالبه گر خون خواهی او باشند. در این زمینه مراجع و علمای ایران، عراق، پاکستان و دیگر کشورهای اسلامی پیام‌های تندی علیه متجاوزین آمریکایی- صهیونی صادر کردند و حتی برای خون خواهی امام شهید فتوا صادر کردند و در پی آن جمهوری اسلامی و جریان‌های مقاومت نیز با محکومیت این جنایت، آمادگی خود را برای انتقام خون امام شهید به دشمنان اعلام کردند. اما خیزش مسلمانان، که عموماً برخلاف خواسته دولتمردانشان بود، نشان می‌دهد که اصل مسئله امامت و رهبری در جهان اسلام، فراتر از امر دولتی است و به همین دلیل مسئله خون خواهی ایشان، چیزی نیست که در سطح دولتی راجع به آن تصمیم گرفته شود. بنابراین آیت الله مجتبی خامنه‌ای از جایگاه رهبری خود در پیام‌هایشان به صراحت مسئله خون خواهی را مطرح کرده‌اند و تأکید داشته‌اند که «ملت عزیز عزم قاطع بر انتقام خون پاک ایشان را در روح و قلب خود زنده نگه‌میدارد و پیوسته مترصد تحقق آن خواهد بود.» تجمعات و خیزش‌های مردمی ایران و سایر کشورهای مسلمان نیز بیانگر همین واقعیت بوده است که آنها مترصد تحقق خون خواهی رهبر انقلاب هستند. نکته قابل توجه در ادبیات خون خواهی مردم ایران و سایر کشورهای مسلمان، ادبیات الهام گرفته از واقعه عاشورا و شهادت امام حسین است که در شعارها و نمادهای این تجمعات به خوبی منعکس شده است و نشان می‌دهد که افق این انتقام، افق دین دارانه است و قلمرو آن به وسعت جهان اسلام است، لذا نمی‌توان آنرا به منافع و مصالح دولتی تقلیل داد. در نتیجه خون خواهی امام شهید باید با سازوکارهایی که در جهان اسلام وجود دارد و ظرفیت‌های این جریانات تحقق یابد و از هر فرصت رسانه‌ای، گفتمانی، سیاسی، نظامی و غیره استفاده شود تا این هدف مقدس تأمین شده و جایگاه عظیم مرجعیت شیعی مصون از چنین تهدیدهایی بماند.

احاله انتقام خون امام شهید به آزادی قدس یا خروج آمریکا از منطقه، بی اثرسازی آرمان خونخواهی است.

همانگونه که از تاکید چندباره رهبر معظم انقلاب بر انتقام خون شهدا، خصوصاً انتقام امام شهید برمی آید، موضوع انتقام در زمان حاضر، یک موضوع کلی و آرمانی نیست. عبارت صریح و غیرقابل تفسیر معظم له در نخستین پیام که فرمودند: «این اطمینان را به همگان می دهم که ما از انتقام خون شهداء شما صرف نظر نخواهیم کرد.» و در ادامه به انتقام خواهی نسبت به خون دیگر شهدا اشاره کرده و فرمودند: «انتقامی که در نظر داریم فقط مربوط به شهادت رهبر عظیم الشان انقلاب نیست؛ بلکه هر عضوی از ملت که توسط



دشمن شهید می شود، خود موضوع مستقلى برای پرونده انتقام است... بخصوص نسبت به خون اطفال و کودکانمان حساسیت بیشتری خواهیم داشت.» اشاره به همین موضوع دارد. در ادامه نیز تاکید مجدد ایشان در پیام به مناسبت چهلمین روز شهادت قائد عظیم الشان با عبارت «ملت عزیز... عزم قاطع بر انتقام خون پاک ایشان و همه شهدای جنگ تحمیلی دوم و سوم را در روح و قلب خود زنده نگه می دارد و پیوسته مترصد تحقق آن خواهد بود.» بر جدی بودن موضوع اشاره دارد و حتماً باید جزو برنامه های نظام و امت اسلامی قرار گیرد.

در یک نگاه آرمانی صحیح، البته که انتقام حقیقی خون رهبر شهید جز با فتح قدس و شکل گیری تمدن اسلامی و امثال این موارد محقق نخواهد شد اما در فرهنگ شیعه، قصاص، قتل و انتقام از مباشرین قتل امام واجب است. صداهایی که انتقام را به موضوعات کلی و مبهم حواله می دهند هرچند از روی خیرخواهی هم باشد و به صورت کلی مورد تایید و تحسین باشد، ثمره ای جز بی اثر کردن انرژی خونخواهی در امت نیست. ادامه این روند، حس خونخواهی امت اسلامی را تحلیل برده و بی اثر می کند. همانگونه که انتقام خون امام حسین علیه السلام جز با ظهور اتفاق نمی افتد اما قصاص قاتلین در دستور کار شیعیان زمان بود؛ بر همین اساس مختار ثقفی با قصاص مباشرین و آمرین به قتل امام حسین علیه السلام از آبرو، عزت و غیرت شیعه دفاع کرد و نگذاشت این ننگ بر دامن شیعه بماند که قاتلین امام جامعه به مرگ عادی بمیرند، ما نیز باید به جای کلی گویی و ایهام، با برنامه ریزی دقیق، ابتکارات و ابداعات مردمی، مطالبه گری عمومی نسبت به انتقام و خونخواهی امام خامنه ای شهید را ملموس کرده و وظیفه تاریخی خود را ادا کنیم.

پروژه خونخواهی باید به صورت یک پرونده فعال، روی میز دستگاه‌های نظامی و امنیتی کشور باشد.



پروژه خونخواهی رهبر شهید، حامل تعبیر متفاوتی است. تحقق برخی اهداف کلان و راهبردی نظیر فتح قدس شریف یا اخراج کامل آمریکا از منطقه، به عنوان مصادیق انتقام نهایی مطرح می‌شوند. این آرمان‌ها افق‌های راهبردی ما را تشکیل می‌دهند و بخش جدایی‌ناپذیر هویت انقلاب هستند. با این حال، تجربه‌های گذشته هشدار جدی می‌دهد. با این حال، تجربه‌های گذشته هشدار جدی پیش روی ما قرار می‌دهد، اجازه پیوسته انتقام به این اهداف کلی و بلندمدت، به یک رویه تبدیل شده است. این رویه، هرچند نیت خود را بر چشم‌اندازهای بزرگ متمرکز می‌کند، برای کشور ضرری راهبردی به همراه دارد. هنگامی که انتقام صرفاً در افق پروژه‌های تمدنی تعریف شود، از زمین واقعی عملیات جدا می‌افتد و شعار انتقام به تدریج در اذهان عمومی و محاسبات دشمن، بی‌اثر می‌شود.

برای احیای بازدارندگی و اثبات جدیت خونخواهی، باید پروژه‌های موازی و در راستای یکدیگر، به صورت فعال، واقعی و در دست اقدام روی میز باشد. این پروژه‌ها باید ملموس و عملیاتی بوده و صرفاً به بیانیه و طرح‌های کلی محدود نشوند. طراحی باید به گونه‌ای باشد که سران، فرماندهان تروریست و آمرین پشت پرده، به طور مستمر از این طرح‌ها احساس خطر حیاتی کنند. این احساس خطر نباید حاصل عملیات روانی زودگذر باشد، بلکه باید ریشه در رصد یک فرآیند امنیتی هوشمند، دقیق و گریزناپذیر داشته باشد. لازمه این امر، وجود طرح‌های مشخص، چندلایه و واقعی از میان برداشتن عاملین و آمرین ترور رهبر انقلاب است. هر روز تأخیر در رونمایی عملی از این پرونده فعال، به معنای تنفس راهبردی به دشمن و عادی‌سازی ترور رهبران در معادلات منطقه است. دستگاه‌های نظامی و امنیتی کشور باید پرونده خونخواهی را از سطح یک راهبرد انتزاعی خارج کرده و آن را به یک عملیات جاری با مختصات دقیق تبدیل کنند.

مراسم تشییع آیت الله خامنه‌ای، فرصت بزرگی برای بازنمایی خواست عمومی مردم ایران مبنی بر خونخواهی امام شهید است.

مراسم تشییع امام شهید به لطف خدا و به احتمال فراوان بزرگ‌ترین اجتماع مردمی تاریخ انقلاب اسلامی و حتی تاریخ معاصر ایران خواهد بود. غیر از جنبه‌های باطنی که پس‌ظاهر این اجتماع بزرگ ایمانی نهفته است، وجوه نرم‌افزاری و مفاهیم و معانی که در بستر این رخداد بزرگ تاریخی مطرح خواهد شد، برای آینده ایران بسیار حیاتی است. میلیون‌ها جمعیت ایرانی و غیرایرانی که در این مراسم حضور خواهند یافت، در حقیقت مسیر حرکت ملت ایران و جبهه‌ی مقاومت را برای دستیابی به افق‌های بلند تمدنی ریل‌گذاری خواهند کرد. به همین دلیل، مهم است که بر روی واژگان و مفاهیم کلیدی این رویداد تاریخی تأمل فراوانی صورت پذیرد.

یکی از واژگانی که برای معنابخشی به این رویداد تاریخی و ریل‌گذاری تحولات آینده‌ی جمهوری اسلامی بسیار تاثیرگذار است، «خوانخواهی» است. مراسم تشییع رهبر انقلاب اسلامی باید سرشار از روح خوانخواهی و مطالبه‌ی انتقام نسبت به خون پاک رهبر شهید انقلاب باشد. قائد شهید، اولین مرجع تقلید شیعی و نخستین زعيم سیاسی-اجتماعی شیعیان است که به صورت مستقیم توسط راس جریان کفر به شهادت رسیدند. غیر از جنبه‌های راهگشا و آینده‌ساز حادثه‌ی شهادت ایشان برای جامعه‌ی مومنین و جبهه‌ی مقاومت، برای جبهه‌ی دشمن و خصوصاً برای عاملان و آمران وقوع آن، می‌بایست پدیده‌ای بسیار پرهزینه و همراه با پیامدهای سخت و دامنه‌دار ترسیم شود. برجسته کردن خط قرمزی که دشمن از آن عبور کرد و همچنین مرزگذاری شدید و غلیظ با دشمن غدار، یکی از ضرورت‌های مسیر پیش روی جمهوری اسلامی است که شعار خونخواهی بستر آن را فراهم می‌کند.

همچنین در روایت‌پردازی خوانخواهی در مراسم تشییع امام شهید، باید مراقبت کرد کرانه‌های مفهومی این واژه‌ی دینی، تقلیل نیابد و صرفاً به مقوله‌ی قصاص و مجازات منحصر نشود؛ انتقام و خونخواهی، کشش و ظرفیت مفهومی بالایی دارد برای اینکه مفهوم جهاد کبیر و مرزگذاری با دشمنان را در مفاهیمی همچون ساختن، آبادانی و پیشرفت کشور و ایجاد نظم جدید منطقه‌ای و جهانی، ضرب بکند. سرمایه‌ی اجتماعی و نیروی خونخواهی افزون بر جنبه‌های سلبی (مانند قصاص قاتلان، ازاله‌ی اسرائیل، اخراج آمریکا از منطقه و ...) باید پیشران جنبه‌های ایجابی حرکت انقلاب. یعنی ساختن و پیشرفت و آبادانی. نیز بشود.

انتقام از جنایت کاران، موجب تقویت عزت ملی ایرانیان خواهد شد.



در تاریخ سیاسی ملت‌ها، نمادهای حاکمیتی و رهبران ملی، تجلی‌گاه هویت، استقلال و اقتدار یک سرزمین به شمار می‌روند. زمانی که کشورهای متخاصم با عبور از خطوط قرمز، عالی‌ترین سطح از مقامات رسمی را هدف ترور قرار می‌دهند، در حقیقت ساختار حاکمیت ملی و غرور جمعی یک جامعه را به چالش کشیده‌اند. در چنین مختصات، مقوله «خونخواهی» و پاسخ

متقابل، یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر برای صیانت از کیان و امنیت ملی است. خونخواهی و تقاضای متناسب، ابزار «احیای بازدارندگی» و «بازتولید موازنه قدرت» است. انفعال یا تسامح در برابر چنین جنایات راهبردی، به خطای محاسباتی دشمن دامن زده و با تقلیل هزینه تجاوز، بستر را برای تعدی‌های سهمگین‌تر فراهم می‌آورد. در مقابل، اقدام قاطع و انتقام هوشمندانه، این پیام صریح را به نظام بین‌الملل مخابره می‌کند که دکترین امنیتی ایران در صیانت از منافع حیاتی خویش، مطلقاً انعطاف‌پذیر نیست. این قاطعیت میدانی، نخستین گام در مسیر ترمیم اقتدار آسیب‌دیده و بازسازی «عزت ملی» است. عزت ملی، مفهومی انتزاعی نیست؛ بلکه سرمایه‌ای اجتماعی است که در بستر ادراک عمومی از «قدرت حاکمیت» شکل می‌گیرد. زمانی که افکار عمومی مشاهده کند دستگاه محاسباتی و اراده سیاسی کشور از توانمندی لازم برای تحمیل اراده خود بر بزرگ‌ترین قدرت‌های مداخله‌گر برخوردار است، پیوند میان دولت و ملت تعمیق می‌یابد. مجازات آمران و عاملان این دست جنایات، فراتر از ابعاد نظامی، یک دستاورد عظیم اجتماعی به همراه دارد؛ این اقدام، با تزریق اعتماد به نفس ملی و احیای غرور جریحه‌دار شده، به انسجام درونی جامعه می‌انجامد. ملتی که استیفای حق و تثبیت اقتدار خود را در عرصه جهانی به چشم ببیند، با همبستگی و تاب‌آوری مضاعفی به مصادف سایر بحران‌ها و فشارهای تحمیلی خواهد رفت.

یکی از ایرادات بند اول تفاهم نامه، به محاق بردن ماموریت ما برای خونخواهی است.

بند اول توافقی که با ایالات متحده آمریکا امضاء شده است تأکید دارد که علاوه بر پایان فوری و دائمی جنگ در تمامی جبهه‌ها، جمهوری اسلامی حق هیچگونه اقدام خصمانه‌ای علیه آمریکا را نداشته و حتی از تهدید او نیز باید خودداری کند. امضای چنین توافقنامه‌ای از سوی ریاست جمهوری ایران به معنای چشم پوشی و مسکوت گذاشتن مسئله خون خواهی رهبر شهید انقلاب است. چه دلیلی دارد در پایان بندی جنگ، توافقنامه‌ای با دشمن ایران و قاتل امام امضاء شود که بند اول آن، دست و پای جمهوری اسلامی را برای خون خواهی برحق رهبرش ببندد و



بند اول

ایالات متحده آمریکا، جمهوری اسلامی ایران و متحدان آنها در جنگ جاری، با امضای این تفاهم‌نامه، پایان فوری و دائمی عملیات نظامی در همه جبهه‌ها، از جمله لبنان، را اعلام می‌کنند و متعهد می‌شوند از این پس هیچ جنگ یا عملیات نظامی علیه یکدیگر آغاز نکنند، از تهدید یا استفاده از زور علیه یکدیگر خودداری کنند و تمامیت ارضی و حاکمیت لبنان را تضمین کنند.

مفاد مورد تأکید آیت الله مجتبی خامنه‌ای در پیام‌هایشان مبنی بر خون خواهی امام شهید و همه شهدا را نادیده بگیرد. بند اول توافق به نحوی ایران و آمریکا را در کنار هم قرار داده است که گویا ایران نیز همچون آمریکا منشأ شرارت است و هر دو باید از اقدامات خصمانه منصرف شوند، درحالی که جمهوری اسلامی همواره درحال دفاع از خود بوده است و سند روشن آن نیز همین ترورهای بی پاسخ و تجاوزهای آشکار دشمن آمریکایی- صهیونی علیه مدارس، دانشگاه‌ها، بیمارستان‌ها، اماکن عمومی و شهروندان معمولی است. امروز ملت مبعوث ایران و مسلمانان جهان بیش از پیش شاهد جنایات آمریکا هستند و مطالبه انتقام آنها نه فقط برای احقاق حق امام شهیدشان که این بزرگ‌ترین فریضه است، بلکه انتقام برای بازدارندگی است، برای احیای مصونیت جایگاه مرجعیت شیعه و رهبران سیاسی جریان مقاومت است. این انتقام برای بازبایی قدرت مشروع و برحق رهبران ماست. اما روندهای دیپلماتیک با آمریکا هر بار برای این مردم جام زهر بوده است و تجربه تاریخی نشان داده که چگونه این توافقنامه‌ها به سود آمریکا و به ضرر ملت‌های مسلمان تمام شده است. وقتی بند اول توافق به هیچ وجه نپذیرفته است که تجاوزی کرده و باید راجع به ترور رهبر سیاسی ایران و رهبر دینی مسلمان پاسخگو باشد و در مقابل ایران را ملزم به پایان دادن به هرگونه تخاصم و تهدید کرده، چگونه مأموریت خون خواهی رهبر شهید به منظور احیای قدرت بازدارندگی ایران و سایر مولفه های قدرت ساز انجام شود؟! این بند نه تنها فرصت محکومیت آمریکا در برابر چشم جهانیان را بر باد داد، بلکه با پذیرشش از سوی رئیس جمهور ایران و مسئولین موافق توافق، به بهانه‌ای در دست آمریکایی‌ها برای تداوم جنایات خود در منطقه، از جمله تهدید رهبران سیاسی مقاومت تبدیل شد.

راهکارها و مسیرهای انتقام جویی، محدود به

مقدورات متعارف مادر مسائل نظامی نیست.



خونخواهی رهبر شهید یک ضرورت اساسی و تکلیف انکارناپذیر برای ما است که هرگز نباید از دستور کار خارج شود اما مسیر تحقق آن، محدود به عملیات نظامی متعارف نیست. اقدامات نظامی-امنیتی می‌توانند در قلب دشمن و با طراحی‌های مبتنی بر شبکه‌های متنوع اطلاعاتی، اقتصادی و .. باشند. آمریکا، با همه ظاهر قدرتمندش، در لایه‌های زیرین خود از گسل‌های عمیقی رنج می‌برد که به دقت قابل شناسایی و هدف‌گیری است. وابستگی شدید به شبکه‌های مالی شکننده و مملو از فساد، شکاف‌های عمیق اجتماعی و سیاسی، بحران اعتماد عمومی به نهادهای حاکمیتی، و حضور نظامی گسترده و آسیب‌پذیر در نقاط مختلف جهان، همگی نقاط کوری هستند که یک طراحی هوشمند و ترکیبی از اقدامات اطلاعاتی، نظامی، اقتصادی و ... می‌تواند آنها را

به بحران‌های تمام‌عیار تبدیل کند. با شناسایی دقیق این نقاط، می‌توان ضرباتی دردناک و فراتر از محاسبات متعارف آنها بر جای گذاشت. این درحالی است که ظرفیت‌های ما، فراتر از تصور است. ظرفیت‌های دینی و قدرت تشیع به عنوان یک شبکه هویتی در سراسر منطقه و جهان با آمادگی میلیون‌ها جانفدا برای انواع اقدامات نظامی و اطلاعاتی و انتحاری، یک ظرفیت بی‌نظیر است. افزون بر این، توانمندی‌های پیشرفته سایبری و اطلاعاتی، شبکه‌های مردمی و هم‌پیمانان متنوع در منطقه و جهان، همگی امکاناتی هستند که میدان را برای ما بی‌نهایت وسیع‌تر از آنچه دشمن تصور می‌کند، نشان می‌دهند. امروز در جهان انگیزه‌های زیادی برای مقابله با نظام استکباری حاکم بر جهان وجود دارد. دشمن باید بداند که ما هرگز محدود به ابزارهای متعارف نبوده و نیستیم و از کنار خون شهید خود نخواهیم گذشت. این چیزی است که به جد و مطالبه به حق مردم داغدار ایران و شیعیان جهان است. راه انتقام، از اقدامات انتحاری تا خرابکاری و ضربات زیرساختی تا افشای فساد، و از تحریک بحران‌های داخلی تا گروگان‌گیری داده‌ها، همه روی میز است. در این میان، آمران و عاملان این جنایت باید در کانون اهداف قرار داشته باشند و حقیقتاً تا زمانیکه این خونخواران به سزای اعمال خود نرسیده‌اند، قلب داغدار ملت آسوده نخواهد شد. از این روی نباید مساله را محدود به اقدامات نظامی متعارف دانست و در این معادله اظهار ناتوانی یا محدودیت کرد.

تاکید رهبر انقلاب بر خونخواهی، نشان دهند راهبردی بودن این مأموریت است.

رهبر انقلاب در همین پیام‌های صادرشده چندین بار درباره انتقام و خونخواهی سخن گفته‌اند:

- در پیام ۲۰ فروردین مرقوم داشته‌اند: «ملت عزیز اگر چه با پایان گرفتن مدت عزای رسمی شهادت رهبر عظیم‌الشأن خود، جامه عز را از تن بیرون می‌آورد، اما عزم قاطع بر انتقام خون پاک ایشان و همه شهدای جنگ تحمیلی دوم و سوم را در روح و قلب خود زنده نگه می‌دارد.»

- در پیام ۲۱ اسفند نوشته‌اند: «انتقامی که در نظر داریم، فقط مربوط به شهادت رهبر عظیم‌الشأن انقلاب نیست؛ بلکه هر عضوی از ملت که توسط دشمن شهید می‌شود، خود موضوع مستقلی برای پرونده‌ی انتقام است.»

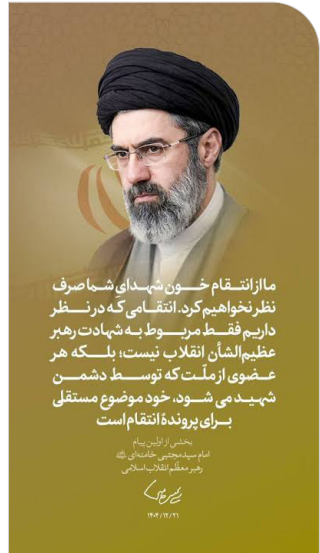
- یا در توصیف بعثت و حضور مردم، از انگیزه خونخواهی ایشان یاد کرده‌اند (پیام ۱۴ خرداد).

این تأکیدات از جهت راهبردی بودن این امر است زیرا:

- ضربه به رأس یک نظام سیاسی بدون تاوان متقابل، وزن اقتدار آن نظام سیاسی را فرو خواهد کاست زیرا نظامی ضعیف و فاقد توانمندی برای حفاظت از خود تلقی خواهد شد.

- پاسخ متناسب به دشمنی که به نقطه نمادین اعتقادات مذهبی و انقلابی ضربه وارد ساخته است، نمی‌تواند محدود، در ضمن سایر اهداف، یا غیرمتناسب باشد. اما در صورت انجام چنین پاسخی، حس عزت و حراست از هویت دینی و انقلابی رقم خواهد خورد.

بدین ترتیب پیگیری فعال انتقام خون امام شهید، از آن جهت که ایشان معمار ایران کنونی با همه مختصات آن یعنی استقلال طلبی، آرمان جویی، مردمی بودن، حرکت در مسیر پیشرفت مستقل از نظام سلطه است، تداعی‌گرو تثبیت‌کننده همه این معانی است. در عین حال به معنای علقه و پیوستگی مردمی و حساسیت مردم نسبت به اعتقادات و باورهای انقلابی و دینی‌شان است.



خونخواهی، آموزدای شیعی و مبتنی بر تأییدات

آشکار اهل بیت علیهم السلام است.



مسئله خونخواهی در اندیشه و سیره عملی شیعیان، ریشه در عمیق‌ترین بنیان‌های دینی و مبانی فکری مکتب اهل بیت علیهم السلام دارد و پدیده‌ای نوپدید یا واکنشی احساسی نیست. خداوند متعال در آیات متعددی از قرآن کریم، خود را «ذوانتقام» و «منتقم» خوانده است. در نگاه قرآن، کیفر ستمگران، مجرمان و تقاص خون‌های

به‌ناحق‌ریخته پیامبران الهی، یکی از سنت‌های قطعی و تخلف‌ناپذیر عالم به‌شمار می‌رود.

شاید این تصور وجود داشته باشد که مجازات الهی در منطق قرآن، تنها به روز قیامت موکول شده است؛ درحالی‌که هلاکت و عذاب اقوامی چون فرعونیان و قوم لوط و شعیب، در همین جهان رخ داده است! این رویکرد قرآنی در سیره اهل بیت عصمت و طهارت نیز تداوم یافته و به یکی از کلیدی‌ترین آرمان‌های شیعه بدل شده است تا جایی که با یکی از مهم‌ترین اصول شیعه، یعنی مسئله مهدویت و ظهور، پیوندی عمیق دارد. در اندیشه مهدوی، رسالت بزرگ دادخواهی پیشوایان حق و در رأس آن‌ها، تقاص خون مطهر امام حسین علیه السلام، بر دوش امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیک نهاده شده است.

با نگاهی به سیر تحولات تاریخی، درمی‌یابیم که پیروان مکتب تشیع در طول تاریخ و با الهام از هدایت‌های ائمه اطهار، همواره پرچمدار مبارزه با ظلم بوده‌اند. آنان هرگز در برابر ستمگران سکوت نکرده و پیوسته در پی استیفای حق رهبران شهید خود برآمده‌اند. در فرهنگ شیعی، خون مظلوم با گذر زمان زیر خاکستر پنهان نمی‌شود و به دست فراموشی سپرده نخواهد شد؛ باور اصلی که زمینه‌ساز شکل‌گیری خیزش‌هایی تاریخی همچون نهضت توابعین و قیام مختار ثقفی بوده است.

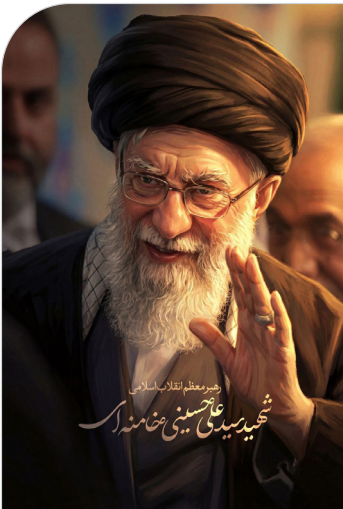
شروع نهضت پرچم سرخ، نشان دهنده عزم جدی ملت ایران برای پیگیری مجدانه مسأله انتقام است.

در آستانه حماسه یوم العباس و با حضور خیل عظیم عاشقان اباعبدالله الحسین، پرچم یا لثارات الحسین علیه السلام همراه با نماد مشیت گره کرده، بر فراز گنبد و صحن حسینیة اعظم زنجان برافراشته شد و این آغازی بود بر انسجام بخشی مطالبات پراکنده و انبوه ایرانیان در انتقام جویی نسبت به خون امام شهیدشان. با این رخداد پرمعنا در زنجان، فراگیری نهضت پرچم سرخ در سرتاسر کشور



آغاز شد تا مطالبه ملی ایرانیان و مسلمانان جهان، به نمادی تاریخی متصل شود و زبانی عمومی پیدا کند. فرارسیدن محرم و نزدیک شدن به ایام تشییع پیکر مطهر رهبر شهید انقلاب، داغ ملت ایران را در فقدان رهبر شهیدشان چندین برابر ساخته است و امروز ملت ایران مصمم تر از قبل، مطالبه انتقام خون پاک رهبرش را دنبال می کند. مجموع مطالبه گری ها و کنشگری های خودجوش و مردمی ایرانیان در این ایام تا منتهی شدن آن به نهضت پرچم سرخ نشان می دهد که گذر زمان نه سبب فروکش احساسات ملی ایرانیان در انتقام جویی نسبت به قاتلین امام شهید می شود و نه با عوامل دیگر گمراه می شود. عزم جدی ملت ایران بر پیگیری مجدانه مسأله انتقام، از این پس در قالب نهضت پرچم سرخ سامان دهی شده و منسجم تر و با صدایی رساتر دنبال می شود تا دشمن آمریکایی-صهیونی، عمق این اصرار را درک کند و متوجه باشد که ملت عاشورایی و آزاده خواه ایران، به هیچ وجه از این خون پاک عقب نمی نشیند و با نماد پرچم سرخ و مشیت گره کرده، مأموریت انتقام جویانه خود را دنبال خواهد کرد و به هیچ وعده و وعید دوری که بخواهد تفاسیر جدیدی از معنا و مصداق انتقام بدهد، رضایت نخواهد داد. بنابراین تشییع پیکر مطهر رهبر شهید، همراه با اهتزاز گسترده این پرچم به نماد انتقام جویی ایرانیان از قاتلین امام برگزار می شود و در نهایت در میعادگاه مقدس جمکران و بر فراز نماد مشیت گره کرده ای امام شهید قرار می گیرد، تا به عنوان نشانی زنده بر حافظه تاریخ حک گردد.

بعد از ترور رهبر انقلاب، عدم پیگیری موضوع انتقام به بهانه ترس از اقدام متقابل، معقول نیست.

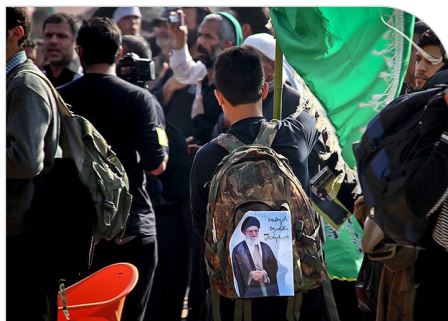


یکی از امکان‌ها در مقابله با نظام سلطه، به‌ویژه سران کثیف و جنایتکاری چون نتانیاهو حذف ایشان با طرق پنهان و غیرآشکار و یا آشکار اما غیرکلاسیک بوده است. اما همواره کسانی بوده‌اند که طرح و اجرای این مسیر را، خطرناک و از حیث امکان پاسخ متقابل دشمن به ترور سران ارشد ما، نادرست ارزیابی می‌کرده‌اند. درعین حال باید به خاطر داشت استفاده از شیوه‌های مذکور از نیمه دوم دهه هفتاد بسیار تضعیف شد و راهبردهای نظامی و ضربه‌های نسبتاً کلاسیک یا غیرمتمقارن جایگزین آن شیوه‌ها شد. این جمع‌بندی عملاً باعث شد به تدریج دسترسی ما برای هر اقدام متقابل و غیرمتمقارن در حذف شخصیت‌های دشمن در ازای ترورهای فعال ایشان هم اندک گردد. به عبارت دیگر وقتی آن راهبرد تغییر یافت، بسترها و توانمندی‌هایش هم

بسیار تضعیف گردید. واقعیت این است که وقتی دشمن به شما ضربه‌ای در حد ترور ارشدترین سران کشور مانند رهبر انقلاب وارد می‌سازد، هیچ دلیلی ندارد بخواهیم انتقام ایشان را از همان روش‌های کلاسیک یا با جنگ نظامی بگیریم زیرا بسیاری اوقات اقدامات نظامی گُند، با دسترسی‌های پایین (به علت هوشیاری دشمن و مراقبت‌هایش)، دستخوش محدودیت ابزارهای رسمی جنگی است. با این تفاسیل باید گفت نه آن برجیدن دامنه توانمندی کشور در حذف دشمنان به صورت پنهان درست بوده، نه بهانه نگرانی از اقدام متقابل دشمن دیگر کارایی دارد. دشمن کاری را که نباید می‌کرد، انجام داده و مرزی باقی نگذاشته و معادله جدیدی خلق کرده؛ اینکه هرگاه بتواند سران کشور ما را ولو همزمان یا غیرهمزمان به شهادت خواهد رساند. شکستن این معادله جدید جز در پرتو ضربه متقابل هم‌وزن مقدور نیست و از این‌رو ترس از اقدام متقابل دیگر بی‌معناست. دشمن بعد از به شهادت رساندن رهبر انقلاب، رهبر جدید را هم تهدید کرده، از این‌رو جز با دیدن ضرب‌شست امنیتی یا نظامی که منجر به حذف سرانش شود، تجدیدنظر نخواهد کرد.

پیاده روی اربعین فرصت بی نظیری برای احیای آرمان خونخواهی امام شهید در میان شیعیان است.

پیاده روی اربعین سال هاست که از یک عزاداری ساده فراتر رفته است. امروز این حرکت، بزرگ ترین گردهمایی و نمایش قدرت برای جبهه حق به شمار می رود. در روزگاری که دشمنان با تمام توان نظامی و تبلیغاتی خود تلاش می کنند تا ملت های مسلمان را ناامید و متفرق کنند، این امام حسین علیه السلام است که میلیون ها انسان آزاده را با هدفی مشترک دور هم جمع می کند. این حرکت بزرگ جهانی ظرفیت دارد که به بستری



برای آرمان خونخواهی امام شهید تبدیل شود؛ خونخواهی سیدالشهدا علیه السلام که در شعار «یا لثارات الحسین» دیده می شود، تنها غصه خوردن برای یک واقعه تاریخی نیست. این شعار، نشان دهنده یک مبارزه ادامه دار و فعال است. اگر بخواهیم این خونخواهی را در دنیای امروز تحلیل کنیم، معنای آن مقابله جدی و بدون سازش با یزیدیان زمان، یعنی رژیم صهیونیستی و آمریکای جنایت کار است. مسیر هشتاد کیلومتری اربعین، یک پایگاه بزرگ است. زائران در این مسیر فقط راه نمی روند، بلکه اراده می کنند تا برای رویارویی با مستکبران آماده و یکپارچه شوند.

این همایش جهانی، بهترین موقعیت، برای تقویت هویت جبهه مقاومت است. وقتی شیعیان از ایران، عراق، لبنان، یمن و دیگر کشورها شانه به شانه هم راه می روند، مرزهای ساختگی از بین می رود و مفهوم واقعی «امت واحد» شکل می گیرد. در این مسیر بی نظیر، خونخواهی امام شهید مستقیماً به خونخواهی از تمام شهدای مقاومت وصل می شود. خونی که در فلسطین، عراق، لبنان، یمن و ایران بر زمین ریخته شده، در ادامه خون امام حسین علیه السلام معنا پیدا می کند. بنابراین، رسانه ها و فعالان جبهه انقلاب وظیفه دارند از این ظرفیت بزرگ استفاده کنند و شور حسینی را به اقتدار مقاومت تبدیل کنند. پیام اربعین باید با صراحت به دنیا برسد که پیروان مکتب عاشورا، در برابر محاصره اقتصادی و حمله نظامی دشمن تسلیم نمی شوند. آن ها تا زمانی که انتقام خون مظلومان را نگیرند و منطقه را از شر مستکبران پاک نکنند، آرام نخواهند نشست. این پیاده روی، جاده ای است که مستقیم به سمت آزادی قدس و آماده سازی برای ظهور پیش می رود.

زمان کرده و در نهایت آنرا امری غیر عقلانی جلوه

می دھند



«مشکل کنونی کشور متأسفانه به‌خاطر وجود آدم‌های بعضاً بی‌خیال و بعضاً سهل‌اندیش [است]... در مقابل انبوه عظیم جمعیت انقلابی و آگاه و بصیر کشور چیزی نیستند اما فعال‌اند. می‌نویسند، می‌گویند، تکرار می‌کنند؛ تکرار می‌کنند! دشمن هم به این‌ها کمک می‌کند. امروز یک فصل مهمی از فعالیت دشمنان جمهوری اسلامی... همین است که محاسبات

مسئولین را تغییر بدهند.» (بیانات ۱۳۹۴/۷/۱۵ رهبر شهید) کار این جمعیت فعال! آن است که عزم ملی را سست کنند. به تعبیر رهبر شهید: «به نظر ما سلاح اصلی آمریکا... نفوذ است - نفوذ در مراکز حساس و تصمیم‌گیر... ایجاد تزلزل در عزم ملّی ملت‌ها است.» (۱۳۹۸/۸/۲۴)

اینک نیز که پس از به شهادت رساندن رهبرمان توسط دشمن، در میان عموم مردم میل جدی به پاسخ و پیش‌روی تا سرحد پشیمان ساختن و گرفتن انتقام خون آن شهید و سایر شهدا به وجود آمده، همان وابستگان و دلدادگان مسیر و سبک زندگی غربی مذکور در بیانات رهبر شهید، باز به میدان خواهند آمد، کما اینکه رد ایشان را می‌شود هم‌اکنون نیز مشاهده کرد. کار ایشان ابتدا مسکوت گذاشتن و نپرداختن به انتقام و طرح مسائل دیگر است. آنان که به مصادر قدرت چه در لایه تصمیم‌گیری یا تصمیم‌سازی دسترسی داشته باشند، سعی می‌کنند که این موضوع را از روی میز مسؤلان ارشد کشور و ذهنیت مردم حذف کنند. در رسانه‌های خویش بدان نپردازند و در قبال خشم انقلابی مردم سکوت کنند. اما آهسته‌آهسته سر از لاک دفاعی برون خواهند آورد و خواهند گفت و نوشت که مثلاً "انتقام‌گیری یک امر احساسی است! باید درباره آن محاسبه سود و زیان شود! نباید به واسطه انتقام لحظه‌ای و تشفی خاطر آتی، منافع بلندمدت ملی را پای یک امر لحظه‌ای فدا کرد! ما باید انتقام را به زمانی موکول کنیم که بتوانیم دشمن را به کلی منکوب کنیم! یا..." خلاصه آنکه جریان سازش غرب‌گرا تلاش خواهد کرد یا از قاعده مرور زمان و یا از روش برجسب‌زنی با عنوان غیرعقلانی، برای حذف خونخواهی امام شهید بهره برد؛ مبدا مسیر ییوستن به هژمونی غربی منسب شود!